

کلاس معکوس

بستری برای خودیادگیری

از نظر آموزشی، فضای جدیدی بر کل دنیا حاکم شده است. حجم زیادی اطلاعات و آموختنی وجود دارد که باید در نظام آموزشی به آن پرداخته شود، اما محدودیت‌ها نمی‌گذارند. کمبود زمان، نبود انگیزه یادگیری، به روز نبودن بخشی از محتوای آموزشی و مشکلات معلمان از جمله این محدودیت‌ها هستند که با فضای جدید آموزش و یادگیری سازگاری ندارند. باید به دنبال راه حلی بود که حداقل پاسخگوی دو جنبه از مشکلات نظام آموزشی باشد. یعنی محدودیت‌ها را رفع و انتظار ما را از نظام آموزشی برآورده کند. ما می‌خواهیم نظام آموزشی بیش از آنکه اطلاعاتی در اختیار افراد قرار دهد از آن‌ها انسانی‌هایی توانمند در عرصه یادگیری بسازد. این نوع تربیت باید در تمام جنبه‌های نظام آموزشی نمایان شود. بچه‌ها را در موقعیت‌های یادگیری قرار دهد آن‌ها را به یادگیرندگانی تبدیل کند که خودشان می‌آموزند، نیازهای یادگیری خود را برآورده می‌سازند و اطلاعات خود را به روز می‌کنند.

باید به دنبال روشی باشیم که پاسخگوی این دو جنبه از مشکلات آموزشی باشد. یکی از پیشنهادها نگاه جدید به کلاس آموزشی است؛ کلاسی که در آن، قاعده بازی یاددهی - یادگیری تغییر می‌کند؛ کلاسی که شاید بتواند در گام اول مشکل بسیاری از معلمان را در زمینه زیاد بودن حجم کتاب‌های درسی و کمبود زمان آموزش رفع کند. موضوع حجم زیاد کتاب‌های درسی همواره مورد اعتراض بسیاری از افراد از جمله معلمان

بوده است. این در حالی است که برنامه‌ریزان درسی و حتی خود معلمان معتقدند حجم آموختنی‌های مورد نیاز دانش‌آموزان بسیار بیشتر از محتوای موجود در کتاب‌هاست. آن‌ها نمی‌گویند حجم کتاب را کم کنید، بلکه می‌گویند زمان آموزش را زیاد کنید. البته این ممکن نیست. در این باره، راه حل برگزاری کلاس معکوس یا کلاس وارون^۱، حداقل به عنوان یک راه حل، ارزش بررسی دارد و شاید بتواند برای حل معضل حجم و محتوای آموزشی و تطابق با ساعت آموزشی مناسب باشد.

تعریف کلاس وارون

در این کلاس، جای مدرسه و خانه عوض می‌شود. ساعت درسی در کلاس مدرسه زمانی است برای اینکه یادگیری‌های طول هفته و خارج از کلاس دانش‌آموزان را سامان دهیم. در کلاس درس دانش‌آموزان را آگاه و آماده کنیم، تکالیف یادگیری را به آن‌ها بدهیم و منابع آموزشی را در اختیارشان قرار دهیم یا به آن‌ها معرفی کنیم. دانش‌آموزان در طول هفته فرصت دارند فعالیت‌های یادگیری خود را کامل و یافته‌های خود را در کلاس ارائه کنند. دیگران را در آموخته‌های خود سهیم کنند، تکالیف جدید بگیرند و این فرایند همچنان ادامه یابد.

در کلاس معکوس یادگیرندگان اصلی دانش‌آموزان هستند و نقش معلم برنامه‌ریزی فکری و فراهم کردن مواد مورد نیاز و راهنمایی دانش‌آموزان است. معلم براساس یک سناریوی یادگیری که در آن پله‌هایی را پیش‌بینی کرده است، بچه‌ها را آگاه می‌کند که چه مرحله‌ای را باید بیامایند. سپس تکالیف و فعالیت‌هایی را که آن‌ها باید در کلاس یا بیرون از کلاس انجام دهند، برایشان تشریح می‌کند. اگر لازم باشد کاری به صورت گروهی، یک نفره یا





تحلیل کنند و آموخته‌ها را در زندگی واقعی به کار گیرند. استفاده از منابع و مواد یادگیری متنوع، تشکیل گروه‌های یادگیرنده و برقراری ارتباط بین آن‌ها، از این جمله است. در کلاس معکوس از الف تا ی موضوع تدریس نمی‌شود، اما فرایندی طی می‌شود که از الف تا ی موضوع یاد گرفته می‌شود. این ایده اصلی کلاس معکوس است. در این روش آموزشی، **نقش معلم بسیار کلیدی است**، چون اوست که طراحی آموزشی را انجام می‌دهد و برای این طراحی فکر می‌کند. معلم دقیقاً باید بداند از کجا شروع کند؟ باید بداند چه فعالیت‌هایی بهتر می‌تواند دانش‌آموز را از نقطه‌ای به نقطه دیگر برساند و پیش دانسته‌ها را فراخوانی کند. معلم باید پله‌های سناریو را به گونه‌ای طراحی کند که نه آن قدر کوتاه باشند که رشدی صورت نگیرد و نه آن قدر بلند که امکان پیشروی وجود نداشته باشد. اینجاست که معلم دیگر تنها مجری نیست، بلکه یک طراح آموزشی است که باید چند نکته را مورد توجه قرار دهد: نخست اینکه منابع و مواد آموزشی متعدد و متنوعی را شناسایی کند و در اختیار دانش‌آموزان قرار دهد تا تفاوت‌های فردی آنان مورد توجه قرار گیرند. و دوم، سطح دانش و اطلاعات خود را افزایش دهد و با سطوح یادگیری آشنا شود تا بتواند سناریوی دقیقی تنظیم و دانش‌آموزان را به درستی هدایت کند.

دو نفره انجام شود، گروه‌های یادگیرنده را تشکیل می‌دهد و فعالیت‌ها را بین آن‌ها تقسیم می‌کند. معیارهایی از برون‌داد مورد انتظار به آن‌ها می‌دهد و انتظارات خود را از فعالیت دانش‌آموزان به آن‌ها می‌گوید. در کلاس درس، بخشی از زمان کلاس به بررسی تکالیف انجام شده اختصاص می‌یابد و در خارج از کلاس، دانش‌آموزان با استفاده از مواد آموزشی متنوعی که معلم در اختیار آن‌ها قرار داده و مراحل یادگیری که برای آن‌ها ترسیم کرده است، به فعالیت‌های یادگیری مشغول می‌شوند. در واقع آنچه خارج از کلاس رخ می‌دهد، ارتباطی است که بین دانش‌آموزان و مواد آموزشی برقرار می‌شود. فعالیت‌هایی که باید انجام شود، با توجه به توضیحات و راهنمایی‌های معلم و ارتباط‌هایی که بین مواد آموزشی و دانش‌آموزان برقرار می‌شود، برون‌داد قابل ارائه‌ای برای جلسه بعدی کلاس درس است. در کلاس معکوس، نقش اصلی معلم طراحی آموزشی است، یعنی طراحی یک سناریوی یادگیری که پله‌ای برای رساندن دانش‌آموزان به هدفی از جنس شایستگی باشد. این سناریو زمانی موفق است که چند مشخصه داشته باشد: اول اینکه هدفش دستیابی به سطوح بالای یادگیری باشد و بچه‌ها را در کف یادگیری نگه ندارد. دوم اینکه تنها به دنبال جمع‌آوری و ارائه اطلاعات نباشد، بلکه با روش آزمایش و تفکر به دنبال تجزیه و تحلیل و طبقه‌بندی اطلاعات برود و آن‌ها را ارزیابی کند. جمع‌آوری اطلاعات در سطح بسیار پایین، بدون درک و فهم و پرینت و ارائه آن، متأسفانه اتفاقی است که امروزه در مدارس ما رخ می‌دهد و این اصلاً مطلوب نیست. مشخصه دیگر سناریوی خوب این است که به نحوی یافته‌های یادگیری با زندگی روزمره دانش‌آموزان مرتبط باشد. این موضوع بسیار مهم است. نکته بعدی اشراف دانش‌آموزان به فرایند یادگیری خود است. دانش‌آموزان باید بتوانند مسیر یادگیری خود را